

## سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای دانشجویی\*

شهلا کاظمی پور<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاله حاضر با هدف شناخت مسائل و مشکلات جوانان در امر ازدواج به تفکیک جنس، سن و دانشجو و غیر دانشجو بودن، شناخت نگرش جوانان مجرد نسبت به چگونگی گرایش آنها به ازدواج و مسائل و تنگناهای مطرح برای آنها در امر ازدواج و سنجش نگرش زوجین جوان ازدواج کرده در مورد تفاهم و یا عدم تفاهم آنها در زندگی و وجود مشکلات زندگی آنها به تفکیک زوجینی که در زمان دانشجویی ازدواج کرده‌اند و سایر زوجین، صورت گرفته است. روش تحقیق مبتنی بر روش‌های مطالعه اسنادی و توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش پیمایشی است. یافته‌های مقاله عبارتست از نظریه مدرنیزاسیون، نظریه شوئن و چونک مورد تایید شده است و در قالب تئوری آندره شرلین ازدواجها در بین دانشجویان به سمت غیر رسمی شدن پیش می‌رود. از سوی دیگر در جامعه ایران نهاد خانواده و تعاملات درون اعضای آن به میزان رشد و توسعه صنعتی شدن و شهرنشینی در کشور رشد نکرده است. در این بین طلاق میان افراد با پایگاه اجتماعی پایین تر بیش از بقیه بوده است. در نهایت بر اساس نظریه مبادله بسیاری از جوانان برای انتخاب همسر بیشتر به انتخاب عقلانی توجه دارند و نگرش به ازدواج در بین جوانان به یک امر عقلانی تبدیل شده است.

واژگان کلیدی: ازدواج، مشکلات ازدواج جوانان، نگرش نسبت به ازدواج، گرایش به ازدواج

\* تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۲/۰۴

\*. این مقاله گزارشی از پروژه‌ای است که کارفرمای آن معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها می‌باشد و در سال ۱۳۸۷ انجام گرفته است.

۱. دکتری جامعه‌شناسی، دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، آدرس: پاسداران-بهستان دوم پلاک ۴ مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه نامبر: ۲۲۷۶۹۷۲۰/Email: skazemipour@gmail.com

## مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده از قدیمی‌ترین نهادهای زندگی بشر است که از دیرباز مورد توجه متفکرین علوم اجتماعی، علوم اخلاقی، علمای مذهبی و سایر دانشمندان قرار گرفته است. در دهه‌های اخیر به علت پیچیدگی‌های امور مربوط به ازدواج، دامنه مسائل مربوط به آن به قلمروهای علوم دیگری همچون: علم اقتصاد، جمعیت‌شناسی و علم سیاست نیز کشیده شده است.

بدیهی است ازدواج همچون هر پدیده اجتماعی دیگری هنجارهایی دارد که این هنجارها نسبت به هر جامعه و نیز هر مقطع زمانی متفاوت است. در دوران کنونی، مسائل ازدواج در کشور ما نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است. کشور ایران همچون سایر کشورهای جهان سوم در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است که با تغییرات اجتماعی وسیعی در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج و همسرگزینی روبه‌روست. تغییراتی که موجب شده تا مردان و زنان نگرش نوینی از پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند و آن را نه فقط به عنوان یک رابطه جنسی و تولید فرزند، بلکه برای به وجود آوردن یک زندگی کمال‌گرا، توأم با عشق و همدلی و همدمی بدانند. دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات مردان و زنان به مراتب بیشتر از گذشته شده است. از طرف دیگر در عصر مدرنیته، تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی گروه‌های اجتماعی و نیز آحاد جامعه بیشتر و همانندی‌های گذشته کمرنگ شده است. علاوه بر اینها، بخشی از این تغییرات در کشور، ناشی از روند اسلامی کردن جامعه در فردای انقلاب اسلامی بوده است و بخشی دیگر، به علت نقش اجتماعی زنان در جامعه و گرایش آنها به تحصیلات بالاتر و احراز صلاحیتهایی همانند مردان در به دست گرفتن مشاغل خارج از منزل قرار دارد. این همه باعث شد تا همسرگزینی از شکل سنتی خارج شده و با مسائل دیگری که در نوع خود در کشور ما تازگی دارد، مواجه شود. نکته دیگری که در دهه اول بعد از انقلاب اسلامی (دهه ۱۳۶۰) به وجود آمد و بعدها پدیده ازدواج و همسرگزینی را برای جوانان به شدت تحت تأثیر قرار داد، میزان بالای موالید در آن دهه بود که در دهه ۱۳۸۰ آنچه تحت عنوان عدم تعادل جمعیتی در سن ازدواج نامیده می‌شود، را موجب شد.

در جریان تغییر و تحولات صورت گرفته در حال حاضر شاهد هستیم که سن ازدواج نسبت به دوران گذشته افزایش یافته است. این امر تا آنجا پیش رفته که امروزه ما در بسیاری از نقاط کشور با مسئله‌ای به نام تأخیر یا دیررسی سن ازدواج مواجه هستیم.

سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ♦ ۷۷

بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از عوامل افزایش سن ازدواج جوانان، گرایش آنها به ادامه تحصیل و به خصوص تحصیلات عالی است. از طرف دیگر، معیارهای گزینش همسر با تغییر و تحولات اساسی روبه‌رو شده است. شناسایی نگرش جوانان به مسئله ازدواج، شناخت مسائل و مشکلات آنها در امر ازدواج به خصوص ازدواجهای دانشجویی، موضوع این پژوهش می‌باشد.

### بیان مسئله

ازدواج یکی از وقایع مهم حیاتی است که از نظر اجتماعی به عنوان پیوندی باثبات بین زن و مرد شناخته می‌شود که در بستر خانواده و همزمان با آن دچار تغییر و تحولات عمیقی در تمامی ابعاد شده است.

ازدواج علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی و ارتباطات اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم می‌کند و به عنوان نُرْم و هنجاری پذیرفته شده در تمامی کشورهای دنیا به حساب می‌آید. زمان و میزان احساس نیاز به همدم و ازدواج در بین افراد از شدت و ضعفهای متفاوتی برخوردار است.

مطالعات نشان می‌دهد امروزه وجود مسائل مختلف اجتماعی به خصوص در شهرهای بزرگ، پدیده ازدواج را به صورت امری پیچیده و مبهم درآورده است. این وضعیت از یک سو منجر به تأخیر در ازدواج می‌شود که پیامدهای اجتماعی مختلفی را به خصوص در ابعاد منفی به دنبال دارد و از سوی دیگر، وضعیتهای مشکل‌زای ازدواج موجب تضعیف بنیانهای خانواده شده و معضل بزرگ‌تری به نام طلاق را پیش می‌آورد. در ضمن، با توسعه شهرنشینی و گسترش شهرهای بزرگ و ایجاد تنوع فرهنگی در شهرها، همواره شاهد گسترش و توسعه مراسم ازدواج و ایجاد الزام برای خانواده‌ها جهت برگزاری مراسم پرخرج و تشریفاتی ازدواج می‌باشیم. از طرف دیگر، وجود تورّم و افزایش قیمت‌ها و افزایش بیکاری جوانان باعث شده که تعداد زیادی از جوانان که قدرت برگزاری مراسم سنگین ازدواج را ندارند، ازدواج خود را به تأخیر بیندازند. به خصوص جوانانی که در دانشگاهها تحصیل می‌کنند و از نظر مالی در تنگنای بیشتری قرار دارند.

مطالعات نشان می‌دهد که ازدواج جوانان در زمان دانشجویی از مزایای زیادی برخوردار است، ولی اگر این ازدواجها اندیشیده نباشد و جوانان دانشجو در انتخاب همسر خود عجولانه

تصمیم‌گیری کنند، با آثار و پیامدهای منفی در زندگی مشترک خود روبه‌رو خواهند شد؛ چون دانشجوی بودن و اشتغال به تحصیل مانع از اشتغال تام دانشجوی بوده و دانشجو می‌بایست وقت عمده خود را به تحصیل بپردازد که عملاً در زندگی مشترک برای او ایجاد محدودیت می‌کند.

جهت کمک به جوانان دانشجو در برگزاری مراسم ازدواج و فرهنگ‌سازی و اشاعه مراسم ساده ازدواج، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها از سال ۱۳۷۸ تاکنون اقدام به برگزاری جشنهای ازدواج دانشجویی و به طور کلی انجام اقدامات لازم جهت تشویق دانشجویان به ازدواج کرده است. ولی هنوز بررسی جامعی در این زمینه که ازدواج جوانان در زمان دانشجویی از چه پیامدهای مثبت و منفی برخوردار است و آیا اساساً دانشجو بودن زوجین یا یکی از آنها تأثیری در انسجام بیشتر یا از هم گسیختگی ازدواج آنها دارد یا نه، انجام نشده است.

شناخت پیامدهای مثبت و منفی ازدواجهای دانشجویی می‌تواند به مسئولان و برنامه‌ریزان کمک کند تا به تقویت عوامل مثبت در این زمینه پرداخته، در صورت وجود پیامدهای منفی این نوع ازدواجها، به انجام اقدامات و سیاستگذاری‌های لازم در این زمینه بپردازند.

### اهداف تحقیق

اهداف عمده این تحقیق عبارتند از:

- شناخت مسائل و مشکلات جوانان در امر ازدواج به تفکیک جنس، سن و دانشجو و غیر دانشجو بودن؛
- شناخت نگرش جوانان مجرد نسبت به چگونگی گرایش آنها به ازدواج و مسائل و تنگناهای مطرح برای آنها در امر ازدواج؛
- سنجش نگرش زوجین جوان ازدواج کرده در مورد تفاهم یا عدم تفاهم آنها در زندگی و وجود مشکلات زندگی آنها به تفکیک زوجینی که در زمان دانشجویی ازدواج کرده‌اند و سایر زوجین؛
- سنجش نگرش زوجین جوان ازدواج کرده نسبت به سن و زمان مناسب ازدواج و رضایت آنها از سن و زمان ازدواج خودشان؛
- مقایسه تطبیقی نگرش جوانان نسبت به ازدواج و ازدواج دانشجویی به تفکیک وضع تأهل.

سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ♦ ۷۹

### پیشینه تحقیق (مروری بر منابع تجربی)

در زمینه ازدواج و شیوه همسرگزینی، مطالعات متعددی انجام شده؛ ولی در مورد ازدواج دانشجویی، مطالعات بسیار اندک و انگشت شمار می‌باشد. در این قسمت، تعدادی از پژوهشهایی که مرتبط با شیوه‌های همسرگزینی، مسائل و مشکلات ازدواج جوانان و مسائل مربوط به ازدواجهای دانشجویی در سالهای اخیر انجام شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. آقایی (۱۳۸۰) دیدگاه ۹۶ نفر از دانشجویان دانشگاههای اصفهان و آزاد اسلامی واحد خوراسگان را همراه با یک پرسشنامه ۲۰ سؤالی مورد بررسی قرار داد. نتایج به دست آمده نشان داد که:

- ۴۸٪ از پاسخگویان اظهار کردند که ازدواج دانشجویی بهترین نوع ازدواج است؛
- ۶۲٪ گفته‌اند که ازدواج دانشجویی هیجانی‌ترین ازدواج است؛
- ۴۲٪ در حد زیاد معتقد بودند ازدواج دانشجویی یک ازدواج کاملاً عقلانی - هیجانی است.
- به نظر ۵۲٪ از پاسخگویان و ۳۲٪ از خانواده‌های آنها، ازدواج دانشجویی بهترین نوع ازدواج است.
- ۵۴٪ با این جمله که «از نظر دوستان و هم‌تایان، ازدواج دانشجویی یک برد محسوب می‌شود» کاملاً موافق بودند.
- ۲۵٪ با این جمله که «ازدواج دانشجویی امکان ادامه تحصیل و پیشرفتهای بعدی را می‌گیرد» موافق یا کاملاً موافق بودند و در عوض ۶۰٪ چنین اعتقادی نداشته‌اند.

۲. مظاهری (۱۳۸۰) در ارزیابی نتایج و پیامدهای ازدواجهای دانشجویی به نتایج ذیل دست یافت:

این تحقیق به ارزیابی نتایج و پیامدهای برگزاری جشنهای ازدواج دانشجویی که تا زمان بررسی، سه بار در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شده بود، پرداخت. این ارزیابی از سه زاویه مختلف و با سه طرح پژوهشی متفاوت به موضوع ازدواجهای دانشجویی نگرسته و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار داده است. این سه زاویه عبارتند از:

الف) نگرش سنجی از مردم، دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاهها نسبت به برگزاری جشنهای ازدواج دانشجویی؛

ب) ارزیابی تأثیر ازدواجهای دانشجویی در میزان آمادگی و تمایل دانشجویان برای ازدواج؛  
ج) ارزیابی پایداری و سلامت سازوکارهای خانواده‌هایی که از طریق ازدواجهای دانشجویی تشکیل شده است.

۳. **حجتی (۱۳۸۱)** طی یک بررسی تحت عنوان زمینه‌یابی مهم‌ترین نگرانی‌های والدین در ارتباط با ازدواج دانشجویی، نگرانی والدین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد (از طریق یک نمونه ۸۰ نفری از دانشجویان دختر و پسر) را مورد بررسی قرار داد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از نمونه فوق، نشانگر این است که والدین دانشجویان جامعه مورد نظر به طور کلی مخالفتی با پدیده ازدواج دانشجویی ندارند. اما در ارتباط با سایر موارد که در فرضیه‌های این تحقیق (مانند نگرانی از کم‌رنگ شدن نقش والدین در ازدواج دانشجویی، ازدواج دور از چشم والدین، گمراه شدن فرزندان، انتخاب همسر بدون در نظر گرفتن فاکتورهای عقلی) مطرح شدند، نگرانی‌های قابل توجهی نداشتند.

### دیدگاههای نظری در مورد ازدواج

#### - چگونگی تحوّل ازدواج و خانواده

دیوید ناکس و کارولین اسکاج در مورد ازدواج می‌گویند: ظهور صنعتی شدن، شهری شدن و پویایی‌های اقتصادی، کاهش خانواده‌گرایی و افزایش فردگرایی را در پی داشته است. وقتی اعضای خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی با یکدیگر تعامل دارند، برای بقای خود به یکدیگر وابسته شده و در جهت حفظ منافع خانواده خواهند کوشید. این تمرکز خانواده‌گرا بر نیازهای خانواده، به سمت تمرکز بر رفاه فردی یا فردگرایی حرکت کرده است. تحولات دیگر طی ۵۰ سال اخیر عبارتند از: طلاق به عنوان پایان بسیاری از ازدواجها به جای مرگ یکی از دو طرف؛ ازدواج و ارتباط صمیمانه به عنوان اهداف قانونی و مشروع مطالعات علمی؛ افزایش فمینیسم/ تحوّل نقش‌های جنسیتی در ازدواج، تأخیر در سن ازدواج، افزایش پذیرش تجرّد، همخانه‌شدن و ازدواجهای بدون فرزند. (Knox & Schacht, 2005, P.183)

شوئن و چونک<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) معتقدند که انصراف از ازدواج<sup>۲</sup> با عواملی چون: افزایش سطح

1. Robert Schoen & Yen-Hsin Alice Cheng

2. Retreat form Marriage

سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ۸۱

تحصیلات و میزان اشتغال زنان، تفاوت‌های جنسیتی کمتر در دریافت حقوق، نابرابری بیشتر در بین مردان و نابرابری اقتصادی میان گروه‌های نژادی مرتبط است. (Strong, 2008, P.322)

گیسون و دیویس (۲۰۰۵) می‌گویند: بخش وسیعی از «انصراف از ازدواج»، حداقل آن بخشی که در میان محرومان اقتصادی رخ می‌دهد، انصراف از ازدواج واقعی نیست. همچنین می‌گویند: باید این سؤال را از خود پرسیم که با وجود نگرش مردم نسبت به ازدواج و امیدشان به اینکه روزی ازدواج خواهند کرد، چه چیزی مانع ازدواج پدر و مادران مجرد با درآمد پایین می‌شود؟ آنها در مصاحبه‌ای که با تعدادی از زوج‌های دارای فرزند به عمل آوردند، سه عامل مسائل مالی، کیفیت و دوام ارتباط و ترس از طلاق را به عنوان موانع ازدواج برشمردند. (ibid, P.323)

#### – کاهش میزان ازدواج یا نوسان آن

استرانگ در کتاب *تجارب ازدواج و خانواده* (۲۰۰۸) می‌نویسد: بهترین راه برای درک اینکه چه بر سر ازدواج آمده یا می‌آید، استفاده از استدلال آندره شرلین (۲۰۰۴) است مبنی بر اینکه ازدواج «غیر رسمی» شده است. غیر رسمی شدن ازدواج به معنی «کمرنگ شدن هنجارهای اجتماعی است که رفتار مردم را در رسوم معمول جامعه مانند ازدواج تعریف می‌کنند». در نتیجه تحولات گسترده اجتماعی افراد قادر نیستند به درک مطلوبی از ازدواج و چگونگی رویارویی با آن برسند. از دیدگاه شرلین، با تبدیل زود هنگام ازدواج از حالت عرف به یک نوع دوستی و همدمی، ازدواج به ازدواج فردی مبدل شده است. در ازدواج فردی، هدف افراد بیشتر رفاه و کمال فردی است. (ibid, P.328)

#### – مبانی نظری مربوط به تغییرات سن و معیارهای ازدواج و همسرگزینی

به طور کلی، افزایش سن ازدواج دختران و تغییر معیارهای همسرگزینی را می‌توان از سه رهیافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبیین کرد. رهیافت اجتماعی با نظریه مدرنیزاسیون، رهیافت اقتصادی با نظریه مبادله (عرضه و تقاضا) و رهیافت فرهنگی با نظریه برابری جنسیتی توضیح داده می‌شود. باید توجه داشت که نظریه مدرنیزاسیون، دو نظریه مبادله و برابری جنسیتی را با خود به همراه دارد، ولی برای بررسی دقیق‌تر، هر سه نظریه به صورت جداگانه آورده می‌شود.

**نظریه مدرنیزاسیون:** نظریه مدرنیزاسیون<sup>۱</sup> توسط ویلیام گود مطرح شد. وی برای تبیین تفاوت سن ازدواج افراد، از مفهوم مدرنیزاسیون استفاده کرده است. بر این اساس، کاهش یا افزایش سن ازدواج با درجات مدرنیزاسیون مقایسه شده است.

مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می‌گیرد. در میان مهم‌ترین فاکتورهای مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصتهای تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیتهای شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد (آستین‌فشان، ۱۳۸۰، ص ۱۵). در جریان مدرنیزاسیون، خانواده محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. فرایند مدرنیزاسیون با ترجیح خانواده هسته‌ای، فردمحوری در مقابل خانواده محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواجهای با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند. (محمودیان، ۱۳۸۳، صص ۲۹-۳۴)

همچنین فرایند مدرنیزاسیون با تغییر نگرشها و ایده‌های افراد جامعه همراه است؛ به طوری که در دنیای مدرن امروزی افراد به نگرشهایی به خصوص در زمینه انتخاب همسر دست یافته‌اند که دایره انتخاب همسر را محدودتر می‌کند. بنابراین، با تغییر در نگرشهای حاصل از مدرنیزاسیون، سن شروع به زناشویی افراد بالاتر رفته و افراد در سنین بالاتری همسر انتخاب می‌کنند.

**نظریه مبادله:** فرض اساسی نظریه مبادله آن است که مردم در انتخابهای خود منطقی بوده و درصدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. بارتز و نای با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج، دو دسته تعیین کننده ازدواج را مشخص کرده‌اند: دسته اول، آنهایی هستند که باعث می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم، آنهایی هستند که باعث می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزینهای نامطلوب، برای فرد کمتر نامطلوب باشد. آنها با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی-اجتماعی ازدواج، یک قضیه نظری عام مطرح کردند، به این صورت که: هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، ازدواج زودرس بیشتر خواهد بود. (کنعانی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸)

مضیقه ازدواج که یکی از عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج مطرح شده، از این رهیافت قابل



سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ♦ ۸۳

تیین است. با توجه به ترکیبات مبادله (عرضه و تقاضا)، هر گاه در بازار ازدواج، تقاضا برای دختران بیشتر از عرضه آن باشد، سبب می‌شود دختران در سنین پایین‌تری ازدواج کنند و بر عکس، هر گاه عرضه بیشتر از تقاضا باشد، سبب بالا رفتن سن ازدواج دختران می‌شود. لذا، بازار عرضه و تقاضای ازدواج است که سن ازدواج را تعیین می‌کند.

**نظریهٔ برابری جنسیتی:** تحلیل جنسیتی تحلیلی است که روابط میان زن و مرد را در جامعه بررسی و تبیین می‌کند. پذیرش برابری جنسیتی، فراتر از پرداختن به موضوع جنسیت است. جنسیتی اندیشیدن، موجبات بروز پدیده‌ای به نام طبقه‌بندی جنسیتی را فراهم می‌کند. برخی تفاوت نقشها، بها دادنها، تشویقها، مزایای اجتماعی و غیره به صورتی متفاوت شامل دو جنس شده و سبب به وجود آمدن تبعیض جنسیتی می‌شود. تبعیض جنسیتی نشان می‌دهد که زنان و مردان در جامعه نسبت به یکدیگر جایگاهی متفاوت و نابرابر دارند.

ملاحظه می‌شود که در برابری جنسیتی، بیشترین بحث، برابری فرصت بین دو جنس است. برابری از لحاظ آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و غیره. با توجه به این دیدگاه، زنان در زمینه فرصتهای شغلی، آموزشی و غیره سعی می‌کنند گام به گام مردان پیش روند. در نتیجهٔ این برابری جنسیتی (یا رقابت جنسیتی)، سن ازدواج زنان به تأخیر می‌افتد.

### رهیافت نظری تحقیق

پس از بررسی دیدگاهها و نظرات محققان و صاحب‌نظران در مورد علل و عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج و تغییر معیارهای انتخاب همسر و مسائل و مشکلات مرتبط با ازدواج جوانان، مدل نظری مورد استفاده در این تحقیق به شرح ذیل است.

نظریهٔ نوسازی، تحولات ازدواج و مسائل و مشکلات ناشی از آن را مربوط به تغییرات ساختاری در جامعه به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی؛ یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی می‌داند.

همچنین بر اساس نظریه مبادله، ازدواج به عنوان پدیده‌ای است که در قالب مبادلهٔ اجتماعی صورت می‌گیرد و عناصر مربوط به مبادله؛ یعنی داده و ستاده بر معیارهای انتخاب همسر تأثیر می‌گذارند.

جوانان برای کسب موقعیتهای اجتماعی بالاتر سعی می کنند ازدواج خود را به تأخیر بیندازند. طبق نظریه مبادله، تصمیم گیری به ازدواج، نوعی تصمیم به سرمایه گذاری است و شخص، ارزیابی عقلانی از هزینه ها و منافع حاصل از ازدواج را در نظر می گیرد. در ضمن از نظریه مرتن در بروز مسائل اجتماعی؛ یعنی عدم تعادل بین اهداف و وسایل نهادی شده اجتماعی، در سنجش و مقایسه بین معیارهای انتخاب همسر و مسائل و مشکلات پیش روی جوانان در امر ازدواج استفاده کردیم.

### سوالات یا فرضیه های تحقیق

۱. جوانان مجرد و دانشجو چه مسائل و مشکلاتی در امر ازدواج دارند؟
۲. جوانان مجرد و دانشجو چه دیدگاه و نگرشی نسبت به ازدواج دانشجویی دارند؟
۳. نگرش زوجین جوان ازدواج کرده نسبت به سن و زمان مناسب ازدواج چیست و سن و زمان ازدواج خود را چگونه ارزیابی می کنند و ارزیابی این نگرش به تفکیک جنس، سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان چگونه است؟
۴. زوجین جوان ازدواج کرده در زندگی زناشویی خود چقدر تفاهم دارند یا با چه مسائل و مشکلاتی روبه رو هستند؛ به تفکیک جنس، سن، زمان ازدواج (در زمان دانشجویی یا زمانهای دیگر) و پایگاه اقتصادی اجتماعی؟
۵. میزان دوام و بقای زناشویی زوجین جوان ازدواج کرده چقدر است و آیا دانشجو بودن یا نبودن آنها در زمان ازدواج تأثیری در این دوام یا انحلال زناشویی دارد؟

### روش بررسی

روش پژوهش حاضر مبتنی بر روشهای مطالعه اسنادی و توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش پیمایشی است.

### جامعه آماری و روش تعیین حجم نمونه

مطالعه توصیفی - تحلیلی حاضر از نوع مطالعات مقطعی<sup>۱</sup> است و جامعه آماری در این بررسی، تمام جوانان ۱۸-۳۵ سال ساکن در مراکز استانهای کشور می باشند که طبق نتایج سرشماری ۱۳۸۵

1. Cross Sectionl

سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ♦ ۸۵

تعداد آنها حدود ۹,۲۲۲,۰۰۰ نفر است. این جامعه به سه گروه جوانان مجرد، متأهل و مطلقه تقسیم می‌شوند (افراد همسر فوت شده یا اظهار نشده از کل جامعه آماری کنار گذاشته شدند) که به ترتیب برابر ۵۳/۹، ۴۹/۴ و ۰/۷٪ از کل افراد را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، مساوی ۲۴۸۶ نفر به دست آمد.

### شیوه نمونه‌گیری

در این مطالعه به دلیل ساختار جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. ابتدا استانهای کشور را از نظر سطح توسعه به پنج حوزه یا خوشه مطالعاتی تقسیم کرده، که هر کدام شامل چند استان هستند. از این پنج حوزه اصلی ۱۴ استان (از ۴ گروه اول هر یک سه استان و از گروه پنجم دو استان) به طور تصادفی انتخاب شدند.

اسامی استانهای نمونه در این بررسی به تفکیک درجه توسعه‌یافتگی آنها

نام استان	درجه توسعه‌یافتگی
تهران، اصفهان، گیلان	بالای بالا
سمنان، مرکزی، مازندران	بالا
خوزستان، کرمانشاه، همدان	متوسط
ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان	پایین
سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی	پایین پایین

در مرحله دوم به تناسب جمعیت مرکز هر استان، تعداد نمونه‌ها (به تفکیک سه نوع پرسشنامه) تعیین و از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک با مراجعه به درب منازل، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد.

در تعیین واحدهای نمونه سعی شد تناسب جنسی و سنی پاسخگویان رعایت شود. اطلاعات لازم در این بررسی در پاییز ۱۳۸۷ جمع‌آوری شده است.

در پژوهش حاضر، برای بررسی اعتبار شاخصها و سؤالات، از شیوه‌های اعتبار محتوا و سازه‌ای استفاده شده و جهت سنجش پایایی سؤالات با پاسخهای ترتیبی از روش آلفای کرونباخ و در مورد سایر سؤالات از روش تست مقدماتی و بازنگری و تصحیح سؤالات استفاده شده است.

اطلاعات به دست آمده از طریق نرم افزار SPSS با استفاده از شاخصهای مربوط به آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

### یافته‌های تحقیق

- ۵۸٪ از جامعه مجردان، ۵۱٪ از جامعه متأهلان و ۴۰٪ از افراد طلاق گرفته، مرد و بقیه زن بودند که این نسبتها تقریباً با نسبتهای مردان و زنان کل جامعه در هر یک از این جوامع مطابقت دارد.

- میانگین سنی پاسخگویان مجرد مرد و زن به ترتیب ۲۳/۴ و ۲۲/۵، پاسخگویان متأهل ۳۱/۸ و ۲۸/۲ و پاسخگویان مطلق یا مطلقه ۲۹/۴ و ۳۲/۵ سال بوده است. مقایسه این ارقام بیانگر جوان تر بودن مجردان از افراد متأهل و جوان تر بودن آنها از افراد مطلق یا مطلقه می باشد.

- میانگین اختلاف سن زوجین طلاق گرفته بیش از افراد متأهل در زمان بررسی بوده است (۵/۵ سال در مقابل ۴/۶ سال). این فاصله در مورد افراد باسواد و تحصیلات کمتر از دیپلم (۵/۹ سال در مقابل ۴/۸ سال) چشمگیرتر است.

- میانگین سالهای تحصیل مردان و زنان گروههای فوق به ترتیب برای مردان ۱۳/۷، ۱۳/۶ و ۱۳ و برای زنان ۱۴/۳، ۱۳/۶ و ۱۱/۲ سال است. مقایسه این ارقام، بیانگر کم سوادتر بودن مردان و زنان مطلق یا مطلقه نسبت به دو گروه دیگر است و به خصوص زنان مطلقه به نسبت بیشتری از زنان مجرد و متأهل کم سوادتر هستند.

- ۵۴/۳ و ۶۹/۱٪ از مردان و زنان مجرد در زمان بررسی، دانشجو بودند؛ در صورتی که مردان و زنان متأهل به ترتیب ۱۷ و ۲۲/۷٪ و مردان و زنان طلاق گرفته به ترتیب ۴ و ۶/۹٪ در زمان مطالعه، دانشجو بوده اند. این تفاوت از یک طرف ناشی از ساختار سنی پاسخگویان و از طرف دیگر متأثر از وضع تأهل آنهاست. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که ادامه تحصیلات و تحصیلات عالی برای پاسخگویان و به خصوص پاسخگویان دختر باعث به تعویق افتادن ازدواج آنها می شود.

- سطح پایگاه اقتصادی اجتماعی پاسخگویان مجرد بهتر از پاسخگویان متأهل و همین میزان در میان پاسخگویان متأهل بهتر از پاسخگویان طلاق گرفته بوده است. از آنجا که درصد زیادی از پاسخگویان مجرد دانشجو بودند، می توان گفت که افراد با سطح پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا،

سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ۸۷

بیشتر می‌توانند به ادامه تحصیل بپردازند و در ضمن احتمال طلاق در بین افراد واقع در پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین بیشتر است (در ضمن ممکن است سطح پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد پس از طلاق تنزل کرده باشد).

- در مقایسه سه گروه مورد مطالعه، مشاهده شد که خانواده پدری افراد متأهل بیش از افراد مجرد و این دو بیش از افراد طلاق گرفته، مذهبی هستند و تعانس مذهبی بودن بین خانواده‌های زوجین متأهل خیلی بیش از زوجین طلاق گرفته است.

- میانگین سن ازدواج مردان و زنان متأهل بیش از سن ازدواج مردان و زنان طلاق گرفته بوده است. بنابراین، یکی از عوامل اصلی طلاق را می‌توان پایین تر بودن سن ازدواج دانست. در ضمن میانگین سن ازدواج پیشنهادی از سوی پاسخگویان مجرد، بیش از رقم مشابه برای پاسخگویان متأهل است. این تفاوت به میزان زیادی ناشی از سطح بالاتر تحصیلات افراد مجرد است.

- بین زمان آشنایی و مراسم نامزدی پاسخگویان متأهل و طلاق گرفته تا زمان عروسی آنها به طور متوسط ۱۳/۳ و ۸/۵ ماه فاصله وجود داشته است. مقایسه این ارقام نیز بیانگر کمتر بودن این فاصله در بین افراد طلاق گرفته می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که شناخت کمتر زوجین در قبل از ازدواج می‌تواند یکی از عوامل طلاق و جدایی افراد باشد.

- پاسخگویان طلاق گرفته بیش از افراد متأهل از طریق دوستی، همسایگی و در محیط دانشگاه، با هم آشنا شده‌اند؛ در صورتی که افراد متأهل به نسبت، بیش از افراد طلاق گرفته همسر خود را از طریق معرفی والدین، نسبت خانوادگی و فامیلی و همکاری بودن انتخاب کرده‌اند. در اینجا می‌توان نتیجه گرفت که ازدواجهای مبتنی بر دوستی و عدم آشنایی خانواده‌ها، بیشتر با مخاطره و طلاق روبه‌رو هستند.

با توجه به اینکه، مراسم ازدواج درصد بسیار ناچیزی از افراد طلاق گرفته، جشن ازدواج دانشجویی بوده است (کلاً ۲٪ در مقابل ۴/۶٪ برای افراد متأهل)، می‌توان گفت که طلاق و جدایی افراد ربطی به مراسم ازدواج آنها و شرکت در مراسم جشن ازدواج دانشجویی ندارد و عامل اصلی جدایی، نوع و شیوه آشنایی و انتخاب همسر است.

- میزان مهریه همسر پاسخگویان مرد متأهل، کمتر از مهریه همسر مردان مطلق است (۲۹۲ سکه در مقابل ۳۷۵ سکه)؛ در صورتی که برای زنان متأهل میزان مهریه بیش از میزان مهریه زنان

مطلقه (۳۹۰ سکه در مقابل ۲۹۳ سکه) است. در تفسیر این ارقام می توان گفت که بالا بودن مهریه همسر مردان می تواند ناشی از عدم اطمینان اولیه به نفس ازدواج از سوی خانواده دختر باشد، ولی در مورد زنان مشاهده می شود که رقم مهریه زنان مطلقه کمتر است و این امر بیشتر ناشی از کم سوادتر بودن زنان مطلقه است.

- مشکلات مالی و اقتصادی (شامل هزینه های بالای زندگی، مشکل مسکن، مشکلات شغلی و بیکاری) به عنوان مهم ترین مسئله و مشکل پاسخگویان در زمان ازدواج (برای پاسخگویان مجرد شامل کسانی می شود که در زمان بررسی، علاقه مند به ازدواج بودند) بوده است. در ضمن مسئله ادامه تحصیل برای پاسخگویان مجرد و مشکلات خانوادگی و آشنایی کم قبل از ازدواج و مخالفت و توقع زیاد خانواده ها برای پاسخگویان طلاق گرفته به عنوان مشکلات بعدی مطرح شده اند.

- نظر پاسخگویان در مورد سن مناسب ازدواج دختر به ترتیب از سوی افراد مجرد، متأهل و طلاق گرفته برابر ۲۲/۵، ۲۱/۷ و ۲۲/۱ سال و برای سن مناسب ازدواج پسر به ترتیب برابر ۲۶/۸، ۲۶/۲ و ۲۷ سال اظهار شده است. چنان که ملاحظه می شود افراد مجرد سن بالاتری را برای ازدواج دختر و پسر مناسب دانسته و پس از آنها افراد طلاق گرفته قرار می گیرند.

- نظر پاسخگویان در مورد میزان مناسب مهریه از سوی مردان مجرد، متأهل و طلاق گرفته به ترتیب برابر ۱۶۱، ۱۳۸ و ۹۸ سکه و از سوی زنان به ترتیب برابر ۵۷۵، ۲۲۳ و ۴۲۵ سکه بهار آزادی است. چنان که ملاحظه می شود رقم پیشنهادی مردان مجرد بیش از افراد متأهل و رقم مربوط به افراد متأهل نیز بیش از مردان مطلق است. این روند تا حدودی قابل انتظار است و مردانی که همسر خود را طلاق داده اند، به خطرات مهریه بالا پی برده اند. در صورتی که در مورد زنان، رقم پیشنهادی از سوی مجردان بیش از افراد طلاق گرفته بوده و سپس رقم پیشنهادی زنان متأهل در پایین ترین سطح قرار می گیرد. در ضمن، رقم پیشنهادی زنان دو یا سه برابر رقم پیشنهادی مردان است. در نتیجه می توان گفت که زنان، متقاضی رقمهای بالای مهریه هستند و به خصوص دختران مجرد بیشتر طالب مهریه های بالا می باشند.

- بیکاری و عدم اشتغال، مشکل مسکن و مشکلات مالی و اقتصادی به عنوان مهم ترین مشکلات ازدواج پسران در جامعه از سوی هر سه گروه از پاسخگویان مطرح شده است.

سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ۸۹

- هر سه گروه مورد بررسی مهم‌ترین مشکلات ازدواج دختران را در جامعه، نبود جوان مناسب، چشم همچشمی و زیاده‌خواهی، مشکلات مالی و اقتصادی، توقع زیاد خانواده‌ها و دخالت و سختگیری والدین دانسته‌اند. در ضمن مشکل تهیهٔ جهیزیه به عنوان مشکل بعدی از سوی افراد متأهل و طلاق گرفته مطرح شده است.

- پاسخگویان متأهل و طلاق گرفته بهترین نوع انتخاب همسر را ازدواج به شکل سنتی و با نظارت خانواده دانسته‌اند که بیش از دو سوم آرای پاسخگویان را به خود اختصاص داده است؛ در صورتی که بیش از دو سوم از پاسخگویان مجرد بهترین نوع انتخاب همسر را ازدواج از روی عشق و علاقه دانسته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که یکی از دلایل عمدهٔ به تعویق افتادن سن ازدواج جوانان، تغییر نگرش آنها و علاقه به انتخاب همسر از روی عشق و علاقه است.

- مهم‌ترین علل افزایش سن ازدواج پسران در جامعهٔ ما مشکلات مالی، اقتصادی و نداشتن شغل عنوان شده است که در مورد افراد مجرد شاید از جمله عوامل منحصر به فرد بوده‌اند؛ در صورتی که افراد متأهل متوقع بودن دختران و تجمل‌گرایی را نیز یکی از عوامل افزایش سن ازدواج پسران دانسته‌اند.

- مهم‌ترین عوامل افزایش سن ازدواج دختران در جامعهٔ ما از دید هر سه گروه از پاسخگویان عبارتند از: متوقع بودن دختران و تجمل‌گرایی، مشکلات مالی و نداشتن جهیزیه، ادامهٔ تحصیل و عدم وجود خواستگار مناسب یا بیشتر بودن دختران.

- حدود ۲۵٪ از مردان، ۳۳٪ از زنان مجرد و ۳۰٪ از مردان و ۳۵٪ از زنان طلاق گرفته اشاره کرده‌اند که اگر عرف جامعه اجازه می‌داد ممکن بود اصلاً ازدواج نکنند. مقایسهٔ این ارقام نشان می‌دهد که اولاً زنان پاسخگو به نسبت، بیش از مردان (هم زنان مجرد و هم زنان مطلقه) نسبت به ازدواج بدبین هستند و این نظر در مورد افراد مطلق یا مطلقه قابل انتظار است. ولی در مورد افراد مجرد می‌تواند به عنوان زنگ خطر باشد که به تخریب زمینه‌های ذهنی افراد (به خصوص دختران) نسبت به ازدواج منجر می‌شود.

- افراد طلاق گرفته به نسبت، بیش از افراد متأهل انتظارات بی‌جای والدین، اعتیاد همسر و نبود علاقهٔ فی‌مابین را از جمله عوامل مؤثر در اختلافات زوجین دانسته‌اند.

- موانع عمده بر سر راه ازدواج جوانان در زمان دانشجویی که از سوی پاسخگویان با

تحصیلات عالی مطرح شده، عبارتند از: مشکل ادامه تحصیل و افت تحصیلی، نداشتن درآمد و استقلال مالی، بیکاری و نداشتن شغل و نداشتن مسکن.

- مهم ترین مزایای ازدواج دانشجویی که در این بررسی پاسخگویان با تحصیلات عالی به آن اشاره کرده اند، شناخت بهتر طرفین و آشنایی بهتر قبل از ازدواج است. در ضمن ۱۴٪ از افراد مجرد، ۶۳٪ از افراد متأهل و ۸۳٪ از افراد طلاق گرفته اظهار کرده اند که ازدواج دانشجویی مزایایی ندارد.

- حدود یک سوم از پاسخگویان متأهل، ۱۶٪ از افراد مجرد و ۱۰٪ از افراد طلاق گرفته، مشکلات اقتصادی و عدم استقلال مالی را به عنوان یکی از مهم ترین معایب ازدواج دانشجویی دانسته اند. در ضمن ۱۱٪ از آنها نیز گفته اند که ازدواج دانشجویی معایبی ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج این بررسی نشان داد که سن متوسط ازدواج جوانان متأهل کمتر از سن مورد تقاضای جوانان مجرد برای ازدواج است. همچنین سن متوسط جوانان متأهل در مقایسه با متأهلان سالهای قبل نیز از میزان بالاتری برخوردار است. از طرف دیگر، سطح سواد و تحصیلات دختران مجرد در این بررسی بیش از زنان متأهل در همان فاصله سنی بوده است.

نکته دیگر این است که با وجود بهبود وضع اقتصادی آحاد جامعه نسبت به گذشته، بسیاری از پاسخگویان یکی از مهم ترین مسائل و مشکلات ازدواج جوانان را تنگناهای اقتصادی دانسته اند؛ در صورتی که وضع اقتصادی بسیاری از آنها خیلی بهتر از افراد متأهل بوده است. بنابراین، نظریه مدرنیزاسیون و نظریه ناکس در جامعه ایران مورد تأیید قرار می گیرد که به همراه توسعه شهرنشینی و تمرکز بر رفاه فردی یا فردگرایی در رفتارهای مربوط به ازدواج جوانان تغییر ایجاد می شود.

شوئن و چونک معتقدند که انصراف از ازدواج با عواملی چون افزایش سطح تحصیلات و میزان اشتغال زنان همراه است.

در این بررسی نیز ملاحظه شد دختران مجردی که گفته اند اگر عرف جامعه اجازه دهد اصلاً ازدواج نمی کنند، در بین افراد با تحصیلات بالا از درصد خیلی بیشتری (بالغ بر ۴۸٪) برخوردارند. همچنین این نسبت در بین دختران شاغل درصد بیشتری دارد (۴۵/۸٪). بنابراین، می توان گفت که



## سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ۹۱

نظریه شوئن در این بررسی مورد تأیید قرار می‌گیرد. البته باید متذکر شد که این ارتباط در مورد پسران پاسخگو مصداق نداشته است و انصراف از ازدواج در بین پسران از عوامل دیگری (به طور عمده اقتصادی) متأثر می‌شود.

از طرف دیگر، گیسون و دیویس مطرح کرده‌اند که انصراف از ازدواج حداقل در میان بخشی از محرومان اقتصادی، انصراف از ازدواج واقعی نیست و سه عامل مسائل مالی، کیفیت و دوام ارتباط و ترس از طلاق از جمله موانع ازدواج و به تأخیر انداختن ازدواج است. در این بررسی نیز ملاحظه شد که بسیاری از جوانان پاسخگو (به خصوص پسران) مسائل و مشکلات اقتصادی، عدم اعتماد به دختران و پیدا نکردن فرد مناسب را از جمله مهم‌ترین مشکلات ازدواج جوانان دانسته‌اند.

به اعتقاد آندره شرلین، ازدواج غیر رسمی شده است؛ یعنی کم‌رنگ شدن هنجارهای اجتماعی. در این بررسی نیز مشاهده شد که درصد بسیار زیادی از جوانان مجرد، علاقه‌مند بودند که همسر خود را از طریق عشق و علاقه و دوستی انتخاب کنند و اعتقاد کمتری به انتخاب همسر از طریق والدین، اقوام یا سایرین داشته‌اند.

همچنین دیدگاه تعارض در مورد ازدواج جوانان در جامعه ایران مصداق می‌یابد. این دیدگاه معتقد است که عدم تمایل برخی از شریکان به ازدواج به معنی تمایل آنها به حفظ اختیار و خودمختاری‌شان است. طلاق نیز می‌تواند به معنی کنترل باشد. نگرش جوانان به امر ازدواج و انتخاب همسر در این بررسی نشان داد که اغلب افراد به منافع و اختیارات فردی خود توجه داشته‌اند و یکی از عوامل به تأخیر افتادن سن ازدواج، نگرانی از به خطر افتادن قدرت و اختیارات آنها بوده است.

در نظریه سیستم‌ها مطرح شده است که خانواده به عنوان یک نهاد، هنجارهای تعامل را ایجاد می‌کند؛ از جمله: تخصیص منبع، تقسیم قدرت و تعریف و تعیین نزدیکی و دوری بین سیستم‌ها (اعضای خانواده). در جامعه ایران نقش نهاد خانواده کم‌رنگ شده است. درصد بالایی از جوانان پاسخگو یکی از مشکلات خود در امر ازدواج را عدم حمایت خانواده‌ها دانسته یا از دخالت بسیار زیاد خانواده‌ها در امر انتخاب همسر یا تعاملات زوجین نام برده‌اند. در اینجا می‌بایست متذکر شد که در جامعه ایران، نهاد خانواده و تعاملات درون اعضای آن به میزان رشد و توسعه، صنعتی شدن

و شهرنشینی در کشور رشد نیافته و هنوز رفتارهای خانوادگی در ایران از ساختارهای سنتی برخوردار است و بسیاری از رفتارهای والدین به عنوان عوامل بازدارنده در امر ازدواج و تداوم آن عمل می‌کند.

بر اساس چارچوب نظری طبقه/نژاد رفتارهای ازدواج و تعاملات خانواده در سطوح اجتماعی مختلف متفاوت است. نتایج این بررسی نیز نشان داد که نگرش جوانان نسبت ازدواج و تشکیل خانواده و مسائل و مشکلات آنها در ازدواج و انتخاب همسر به میزان زیادی با پایگاه اقتصادی اجتماعی آنها ارتباط دارد و طلاق در بین افراد (به خصوص زنان) با پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین‌تر، بیش از بقیه است.

در نظریه مبادله مطرح می‌شود که انسان دائماً درصدد بهره‌گیری بیشتر از حداقل هزینه‌ها بوده و اصل جستجوی پاداشهای اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی در نهاد انسان نهفته است. طبق این نظریه، تصمیم‌گیری به ازدواج، یک نوعی تصمیم به سرمایه‌گذاری است که در آن هزینه‌ها و دستاوردهای مشخص ازدواج‌کننده، در طول زمان واقعیت پیدا می‌کند. در این بررسی مشاهده شد که میزان سواد و تحصیلات دختران مجرد بیش از زنان جوان متأهل است. همچنین بسیاری از جوانان در دلایل خود برای انتخاب همسر، بیشتر به انتخاب عقلانی توجه کرده‌اند و نگرش به ازدواج در بین جوانان به یک امر عقلانی تبدیل شده است.

### پیشنهادها

نتایج این تحقیق نشان داد که اختلاف سنی زوجین طلاق گرفته بیش از زوجین متأهل است. بنابراین، پیشنهاد همسان همسری سنی هم می‌تواند در کاهش میزان تجرد قطعی زنان در این برهه از زمان و همچنین به انسجام بیشتر خانواده‌ها کمک کند.

یکی از سیاستهای زیربنایی دولت جمهوری اسلامی از بدو انقلاب تاکنون، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و اشاعه سواد و تحصیلات بوده؛ به طوری که درصد پوشش تحصیلی با رشد چشمگیری همراه بوده و تعداد زیادی از دختران به محیط‌های دانشگاهی راه یافته‌اند. این امر از طرفی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه کشور به حساب می‌آید و از طرف دیگر، به افزایش سن ازدواج دختران منجر شده است؛ به طوری که اکثر مسئولان و برنامه‌ریزان، این افزایش را ناشی از گرایش بیشتر

سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ۹۳

دختران به تحصیل می‌دانند. اما نتایج این بررسی نشان می‌دهد صرفاً گرایش به تحصیلات به ۲ تا ۳ سال افزایش میانگین سن ازدواج منجر می‌شود و افزایش بی‌رویه سن ازدواج و حتی تجرد قطعی دختران، ناشی از عوامل فرهنگی بیمارگونه و گرایش آنها و به خصوص خانواده‌ها به تجمل‌گرایی و پرخواهی می‌باشد. چه بسا گرایش برخی از خانواده‌ها به ادامه تحصیل دخترانشان نیز متأثر از همین گرایشهای فرهنگی باشد. بنابراین، جهت حل مسئله می‌بایست به عواملی که باعث بروز این نوع نگرشهای فرهنگی شده پرداخت و فرهنگ‌سازی در جهت ساده‌زیستی، کسب درآمدهای حلال، تکیه بر اصالت‌های خانوادگی و افزایش انضباط اجتماعی به میزان زیادی می‌تواند راهگشا باشد.

اتخاذ سیاستها در زمینه برگزاری جشنهای ازدواج دانشجویی نیز در راستای چنین فرهنگ‌سازی‌ای بوده است؛ در صورتی که تا کنون برگزاری این جشنها نه تنها توانسته از میزان تجمل‌گرایی خانواده‌ها بکاهد، بلکه به ایجاد هزینه‌های اضافی (برگزاری جشنهای مجدد) منجر شده است. بنابراین، اگر هدف از برگزاری جشنهای ازدواج دانشجویی اشاعه فرهنگ ساده‌زیستی بوده، این هدف تحقق نیافته و اگر هدف آن کاهش سن ازدواج دانشجویان بوده است، نتایج نشان می‌دهد که اکثر دانشجویانی که خود در صدد ازدواج بوده و حتی مراسم عقد را نیز برگزار کرده‌اند، در این جشنها شرکت می‌کنند. بنابراین، در این زمینه نیز این جشنها تأثیری نداشته‌اند. بسیاری از دختران و پسران پاسخگوی مجرد، علاقه‌مند به ازدواج در سن فعلی یا حتی قبل از آن بوده و مسائل و تنگناهای اقتصادی را به عنوان اولین عامل و مشکل مطرح کرده‌اند؛ در صورتی که بسیاری از آنها از نظر سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی، وضع بهتری نسبت به پاسخگویان جوان متأهل داشتند. بنابراین، گرایش به تجمل‌گرایی، کسب رفاه بیشتر و توقع بیشتر از زندگی که همگی آنها ناشی از زیربناهای فرهنگی می‌باشند، مانع ازدواج جوانان هستند. بنابراین، انجام اقدامات و رویه‌هایی در جهت محو عواملی که به تخریب زیربناهای فرهنگی کشور منجر شده است، به میزان بیشتری راهگشا خواهد بود.

مهم‌ترین پیشنهادهای این طرح عبارتند از:

- اشاعه همسان‌همسری سنی و تحصیلی در بین جوانان؛
- اشاعه فرهنگ ساده‌زیستی در بین خانواده‌ها و به خصوص خانواده‌های دختران و اهمیت

دادن به مسائل اخلاقی؛

- دخالت و نظارت بیشتر خانواده‌ها به دوستی‌ها و روابط فرزندان خود با جنس مخالف؛
- اشاعه فرهنگ کار و توسعه کارآفرینی در بین جوانان تحصیل کرده به خصوص دختران؛
- افزایش میزان نظارت‌های اجتماعی جهت کاهش آسیبها و بی‌بندوباری‌های اجتماعی؛
- اشاعه فرهنگ عفاف و پاکدامنی در بین جوانان به خصوص دختران؛
- آموزش خانواده‌ها جهت حمایت و نظارت بیشتر بر روابط خود با فرزندان جوانشان؛
- افزایش فعالیتها جهت زمینه‌سازی ذهنی دانشجویان برای ازدواج در محیط‌های دانشگاه از طریق روابط حساب شده و منطقی دختران و پسران؛
- ایجاد زمینه‌های به کارگیری دانشجویان در فعالیتهای علمی، پژوهشی و اجرایی جهت حل معضلات مالی و اقتصادی آنها.



سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواجهای... ♦ ۹۵

## منابع

۱. آستین افشان، پروانه (۱۳۸۰)؛ بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی- جمعیتی مؤثر بر آن طی سالهای ۷۵-۱۳۵۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۲. آقایی، اصغر (۱۳۸۱)؛ «بررسی دیدگاه دانشجویان نسبت به ازدواج دانشجویی»، خلاصه مقالات همایش ازدواج دانشجویی: راهکارها و چالشها، اصفهان، دانشگاه صنعتی.
۳. حجتی، غلامرضا (۱۳۸۱)؛ «زمینه‌یابی مهم‌ترین نگرانی‌های والدین در ارتباط با ازدواج دانشجویی»، خلاصه مقالات همایش ازدواج دانشجویی: راهکارها و چالشها، اصفهان، دانشگاه صنعتی.
۴. کنعانی، محمدمین (۱۳۸۵)؛ «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، ش ۱، ص ۱۲۴-۱۰۴.
۵. محمودیان، حسین (۱۳۸۳)؛ «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، صص ۵۳-۲۷.
۶. مظاهری، محمدعلی (۱۳۸۰)؛ طرح ارزیابی نتایج و پیامدهای ازدواجهای دانشجویی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده تربیتی و روان‌شناسی.
7. Knox, Davidw & Caroline Schacht (2005). *Choices in Relationships*, Thomson Learning. Inc. Thomson Wadsworth, 10 David Drive Belmont, CA 94002-3098 U.S.A
8. Knox, D, & M.E. Zusman & V.D. Daniels (2003). *College student attitudes toward interracial marriage*. **College Student Journal** 36:84-86.
9. Schoen, Robert & Yen-Hsin Alice Cheng (2006). "Partner Choice and the Differential Retreat From Marriage", **Journal of Marriage and Family** 68, 1 (February, 1-10).
10. Strong, Bryan (2008). *The Marriage and Family Experience*. Thomson Higher Education, 10 Davids Drive, Belmont, C.A. 94002-3098.